

مدل مفهومی سازماندهی در ناآرامی‌های خیابانی

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۹/۰۳

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۹/۲۶

عبدالمحمود محمدی لرد*

چکیده

در این مقاله تلاش شده است مدلی مفهومی برای سازماندهی در ناآرامی‌های خیابانی ترسیم شود. مسئله این پژوهش، فقدان تعریف مشترک یا بین‌ذهنی از سازماندهی و شاخص‌های آن بوده و تلاش می‌شود ضمن تعریف سازماندهی و ارائه شاخص‌های آن، عوامل مؤثر بر سازماندهی ناآرامی خیابانی نیز شناخته شود. در این پژوهش به دو سؤال پاسخ داده می‌شود. اول اینکه شاخص‌های سازماندهی ناآرامی خیابانی کدامند؟ و دوم اینکه، چه عواملی بر میزان سازماندهی در ناآرامی خیابانی مؤثر هستند؟ برای پاسخ به این سوالات از نظریات چارلز تیلی و تدرابرت گر، مدل مفهومی برای سازماندهی ناآرامی‌ها استنباط شد. همچنین، پرسش‌نامه‌ای ارائه شد که به کمک آن امکان ارزیابی سازماندهی در هر حرکت جمعی وجود دارد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مهم‌ترین شاخص‌های سازماندهی ناآرامی خیابانی عبارتند از «وجود تقسیم‌کار و نقش‌های تخصصی بین مخالفان»، «وجود حداقل یک خزانه عمومی از منابع عمده مانند پول، سلاح، اطلاعات یا چیز دیگری به همراه مکانیسمی برای توزیع آنها» و «میزان تمایز سلسله‌مراتبی در بین مخالفان و شکل‌گیری رهبری و کادر». واژگان کلیدی: سازماندهی، ناآرامی خیابانی، تحلیل عوامل، تدرابرت گر، چارلز تیلی.

amahmudml@gmail.com

* دکتری علوم سیاسی از دانشگاه علامه طباطبائی

فصلنامه مطالعات راهبردی • سال بیست‌ودوم • شماره سوم • پاییز ۱۳۹۸ • شماره مسلسل ۸۵

مقدمه

در پی حوادث دی ماه ۱۳۹۶ و آبان ماه ۱۳۹۸، گمانه‌زنی‌های مختلفی در خصوص سازماندهی ناآرامی‌ها توسط کشورهای خارجی، گروه‌های اپوزیسیون یا رقبای داخلی دولت مطرح شد. بسیاری از افراد به‌ویژه مقامات سیاسی و نظامی حوادث سال ۱۳۹۶ و به‌ویژه حوادث سال ۱۳۹۸ را سازماندهی شده قلمداد کرده و شواهدی برای آن بیان نموده‌اند. بسیاری از تحلیلگران نیز به‌ویژه در قشر دانشگاهی، وجود سازماندهی در دو حادثه را انکار کردند. برخی نیز ادعا نمودند که حوادث سال ۱۳۹۶ فاقد سازماندهی ولی حوادث سال ۱۳۹۸ با سازماندهی بوده است.

برای نمونه وزیر کشور در تاریخ ۱ فروردین ۱۳۹۷ در خصوص ناآرامی‌های دی ماه ۹۶ اذعان نمود: «ما در تحقیقات خود به‌هیچ‌وجه به سازمان‌یافتگی اعتراض‌ها نرسیدیم؛ به‌عبارت واضح‌تر به این نتیجه نرسیدیم که یک گروه، طیف و جناح یا معاندین و ضدانقلاب‌ها اعتراض‌ها را از بیرون سازماندهی کرده باشند. این حرف به‌معنای این نیست که معاندین و مخالفان از اعتراض‌ها سوءاستفاده نکرده باشند چون هم در تشدید، هم در هدایت و هم برای بهره‌برداری نهایت تلاش خود را کردند» (رحمانی فضلی، ۱۳۹۷). در خصوص ناآرامی آبان ۱۳۹۸، وزیر کشور در تاریخ پنجم آذر ۱۳۹۸ ضمن تأیید سازماندهی ناآرامی‌ها اظهار نمود: «در حومه تهران و شهرستان‌های درگیر، زنان معترض هدایت و رهبری گروه‌های کوچک معترض را به عهده داشتند. معترضان در هسته‌های پنج یا شش نفره که حتماً همراه آنها یک خانم بود که مردم را تهییج کنند، به سلاح‌هایی همچون کوکتل مولوتوف مسلح بودند. دخالت نیروهای خارجی به‌صورت مستقیم و آشکار توسط مقامات آمریکایی، اروپایی و رژیم صهیونیستی اعلام شد و رسانه‌های آنها نیز با انتشار تصاویر سعی در تهییج داشتند» (رحمانی فضلی، ۱۳۹۸).

علاوه بر نظرات متعارض مقامات و تحلیلگران داخل کشور، تحلیلگران خارج‌نشین نیز نظرات متفاوتی در خصوص سازماندهی ناآرامی‌های خیابانی ارائه نمودند. برخی از گروه‌های اپوزیسیون، ادعای رهبری ناآرامی‌ها را داشتند. برای نمونه، شبکه فرشگرد که رضا پهلوی را به‌عنوان عامل وحدت‌بخش در فرایند براندازی جمهوری اسلامی ایران معرفی می‌کند، ادعا نمود: «مگر می‌شود بدون رهبر میدانی اعتراضات را سازماندهی کرد و چندین شهر ایران را از

کنترل دولت خارج کرد... این اعتراضات هم رهبر ملی دارد، هم رهبر میدانی دارد، هم سازماندهی دارد، هم بیش از دو سه سال برای این اتفاقات سازماندهی شده، شبکه‌سازی شده، کار شده، شعارنویسی شده، برچسب نویسی شده، تمام روش‌های نافرمانی مدنی که استراتژی شاهزاده پهلوی در چهل سال گذشته بوده، در این دو سه سال انجام شده، پیاده شده تا به اینجا رسیده است» (اعتمادی، ۱۳۹۸). شورای ملی مقاومت ایران (منافقین) نیز در تلویزیون خود به نام سیمای آزادی، مدعی ایجاد «کانون‌های شورشی» هستند که ماه‌ها به صورت شبانه‌روز برای برگزاری این تجمع‌ها تلاش کرده بودند و این تلاش‌ها اکنون به ثمر رسیده است (شورای ملی مقاومت ایران، ۱۳۹۸). ضمن اینکه بسیاری از مقامات آمریکا، رژیم صهیونیستی، عربستان و اتحادیه اروپا نیز به صورت رسمی از معترضان حمایت کردند.

در کنار این ادعاها، برخی دیگر از تحلیلگران خارج‌نشین، هر نوع ادعای برنامه‌ریزی و سازماندهی ناآرامی‌ها توسط مخالفین در خارج از کشور را رد کردند. آنها معتقدند که اعتراضات اساساً در مخالفت با تصمیمات حکومت آغاز شده و به‌گونه‌ای خودانگیخته و برق‌آسا، شهرها را در بر گرفته است. از مهم‌ترین دلایل مطرح‌شده توسط این گروه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- گروه‌های اپوزیسیون در جریان اعتراضات غافلگیر شدند و با تأخیر به موضوع پرداختند.
- نفوذ و اهمیت اپوزیسیون تبعیدی پس از چند دهه فعالیت حتی در میان ایرانیان خارج از کشور محدود است. مشکلاتی از جمله تشتت، فرقه‌گرایی، خودشیفتگی، پراکنده‌کاری، درگیر شدن با یکدیگر، فعالیت محفلی، فقدان دورنما، منجمد شدن در عقاید گذشته و شکاف نسلی با جوانان، شکاف جنسیتی و شکاف قومی در بسیاری از این گروه‌ها باعث شده است بسیاری از آنها جذابیت خود را از دست بدهند.
- گروه‌های اپوزیسیون مدعی نفوذ و قدرت سازماندهی، حتی به ندرت می‌توانند ایرانیان خارج از کشور را بسیج کنند، چه برسد به توان بسیج مردم در داخل ایران.
- اپوزیسیون ایران تصور سازماندهی یک «ائتلاف همه با هم» را ندارند و آن را عملی نمی‌دانند. آنها حتی نتوانستند یک ائتلاف منفی ایجاد کنند. مثلاً همه متعهد شوند که

به روش‌های قهری و خشونت‌آمیز و تبلیغات ویرانگر و حذفی علیه یکدیگر متوسل نشوند یا از ایده‌هایی همچون تبلیغ خشونت، جنگ داخلی و تجزیه کشور دفاع نکنند و مدافع یکپارچگی کشور باشند (درویش‌پور، ۱۳۹۸).

در همه مواضع مطرح‌شده، هیچ اشاره‌ای به مفهوم سازماندهی یا شاخص‌های سازماندهی نشده است. در بسیاری از تحلیل‌ها بر اطلاعات جزئی، غیرسیستمی، ناقص و پراکنده اتکا شده و فرضیه یا گمانه‌ای در خصوص سازماندهی ناآرامی‌ها ارائه شده است. ضمن اینکه در تفسیر شواهد و داده‌ها، عوامل مؤثر بر سازماندهی نیز به‌جای شاخص‌های سازماندهی تفسیر شده‌اند. البته راه خروج از تزاخم آرا و تشتت تحلیلی، دستیابی به داده‌های عینی است که در چنین حوادثی، بسیار مشکل است.

مفروض بسیاری از تحلیل‌ها نیز تعریف سازماندهی به صورت «هست و نیست»، «صفر و یک» و به معنی «وجود سازماندهی یا فقدان سازماندهی» بوده است. در حالی که سازماندهی مانند بسیاری از مفاهیم علوم اجتماعی ماهیتی فازی دارد و در بازه صفر (نبود سازماندهی) تا یک (سازماندهی کامل)، میزان سازماندهی در ناآرامی را می‌تواند در نقطه‌ای از یک طیف صفر تا یک قرار داد.

مسئله این پژوهش، فقدان تعریف مشترک یا بین‌ذهنی از سازماندهی و شاخص‌های آن بوده است و تلاش می‌شود ضمن تعریف سازماندهی و ارائه شاخص‌های آن، عوامل مؤثر بر سازماندهی ناآرامی خیابانی نیز شناخته شده و به کمک آنها، مدلی مفهومی از سازماندهی ارائه شود. در واقع در این پژوهش تلاش می‌شود به دو سؤال پاسخ داده شود. اول اینکه، شاخص‌های سازماندهی ناآرامی خیابانی کدامند؟ و دوم اینکه، چه عواملی بر میزان سازماندهی در ناآرامی خیابانی مؤثر هستند؟

برای پاسخ به سؤالات مذکور از نظریات چارلز تیلی و تد رابرت گر استفاده شده است و تلاش خواهد شد، یک مدل مفهومی برای سازماندهی ناآرامی‌ها استنباط شود. تبدیل مدل مفهومی به پرسش‌نامه‌ای که به کمک آن هر تحلیلگری قادر به ارزیابی سازماندهی در هر حرکت جمعی باشد، از دیگر اهداف پژوهش است. در این فرایند از روش مقایسه زوجی برای

وزن‌دهی به شاخص‌های سازماندهی استفاده می‌شود. در واقع نوآوری این پژوهش، استنباط مدلی برای سازماندهی است که هم به شاخص‌های سازماندهی پرداخته و هم عوامل مؤثر بر آن را معرفی نماید.

الف. پیشینه پژوهش

در خصوص علل بروز ناآرامی‌های خیابانی و تحلیل زمینه‌ها و بسترهای آن پژوهش‌های بسیاری صورت گرفته است و تبیین ناآرامی‌ها یکی از مهم‌ترین فعالیت جامعه‌شناسان سیاسی است. در خصوص سازماندهی ناآرامی به جز اشاراتی در متون نظری، فعالیت پژوهشی کمتری صورت گرفته است. یکی از مهم‌ترین پژوهش‌ها توسط احمدی منش در خصوص سازماندهی در انقلاب اسلامی ایران انجام شده است. نویسنده در این مقاله سعی کرده است پس از واکاوی و بازشناسی ابعاد و جوانب این مفهوم در نظریه چارلز تیلی، مدلی مفهومی از سازماندهی ترسیم کند و سپس مبتنی بر روش مطالعه اسنادی و در راستای مدل مطروحه، مصادیق و شواهدی از واقعیت انقلاب ایران ارائه نماید. مدل مفهومی ترسیم شده برای سازماندهی در نمودار شماره ۱ نشان داده شده است.



نمودار ۱. مدل مفهومی سازماندهی در انقلاب اسلامی ایران

به نظر نویسنده، منظور تیلی از سازمان، توضیح فرایند بسیج منابع است. سازمان که دارای ویژگی‌هایی چون هویت مشترک اعضا و شبکه ارتباطی گروه است، تسهیل‌کننده بسیج منابع می‌شود. یعنی هرچه گروه سازمان‌یافته‌تر باشد، بسیج منابع آن گروه و امکان دستیابی به قدرت افزایش می‌یابد. نویسنده سازماندهی را مقدم بر بسیج منابع در نظر گرفته و اذعان می‌دارد که مخالفان ضمن سازماندهی خود باید به سازمان‌پاشی حکومت نیز توجه کنند و انتقال قدرت زمانی ممکن است که مخالفان با سازماندهی و بسیج منابع خود و سازمان‌پاشی و بسیج‌زدایی

از حکومت، باعث افزایش قدرت خود و کاهش قدرت حکومت شوند. نویسنده در نهایت سازماندهی در انقلاب ایران را بر اساس سه شاخص هویت بخشی، شبکه ارتباطی و سازمان پاشی، مورد مطالعه قرار داده است (احمدی منش، ۱۳۹۴: ۸۹-۷۸).

از دیگر پژوهش‌های مربوط به سازماندهی حرکت جمعی، مقاله فرزاد پورسعید است که در چارچوب مقایسه انقلاب اسلامی ایران و انقلاب مصر نگارش شده است. محقق در این مقاله با استفاده از نظریه «تحلیل فرایندی انقلاب» و «فرصت‌یابی سیاسی»، تلاش کرده است فرایند دو انقلاب ایران و مصر را بررسی کند و تفاوت‌ها و شباهت‌های آن دو را معرفی نماید. یکی از معیارهای مورد استفاده برای مقایسه دو انقلاب، شیوه سازماندهی در آنها تعریف شده که دارای دو عنصر مهم تشکیلات و ارتباطات است. نویسنده معتقد است بدون ارتباطات، هیچ جنبشی نمی‌تواند از فضای گفتمانی به فضای مادی وارد شود و از گذشته، این تشکیلات بوده است که ارتباطات را برقرار می‌کرده است. البته تشکیلاتی که ماهیتی شبکه‌ای داشته باشد، کمتر در معرض آسیب است. ضمن اینکه جهانی‌شدن این امکان را فراهم کرده است که برقراری ارتباطات بدون تشکیلات میسر باشد و سازماندهی به صورت مجازی صورت گیرد (پورسعید، ۱۳۹۰: ۱۹۰).

برخی بر این باور هستند که در دنیای امروزی و با وجود شبکه‌های مجازی و اینترنت، مفهوم سازماندهی دگرگون شده و تعاریف سنتی از سازماندهی با شرایط دنیای کنونی کمتر منطبق است. برخی افراد حتی مدعی هستند کشورهایی مانند ایالات متحده که بستری مانند اینترنت ایجاد کرده‌اند، دیگر نیازی به سازماندهی گروه‌های اپوزیسیون علیه حکومت‌ها ندارند. همین بستر بقیه کارها را به صورت خودکار انجام می‌دهد.

کاستلز معتقد است رسانه‌های دیجیتال زیرساختی برای شبکه‌بندی مردم فراهم کرده‌اند به گونه‌ای که پیوندهای ارتباطی عمیق و ظرفیت‌های سازمانی در گروه‌های مخالف ایجاد شده است. از آنجاکه جنبش‌های شبکه‌ای از طریق تعامل بین هسته‌های چندگانه، کارکردهای هماهنگی و هم‌اندیشی را تضمین می‌کنند، بنابراین این جنبش‌ها نیازی به رهبری رسمی، مرکز فرماندهی و کنترل یا سازمانی عمودی برای توزیع اطلاعات یا دستورالعمل‌ها ندارند. این جنبش‌ها معمولاً بی‌رهبرند، به دلیل بی‌اعتمادی خودجوش و عمیق بیشتر مشارکت‌کنندگان

جنبش به هرگونه نمایندگی و تفویض قدرت. زیرا آنها در تجربه سیاست معمولشان احساس کرده‌اند که مورد خیانت و بازیچه واقع شده‌اند. شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر اینترنت، ابزارهایی اساسی برای بسیج، سازماندهی، هم‌اندیشی، هماهنگی و تصمیم‌گیری‌اند. با این همه، اینترنت فقط ابزار نیست، اینترنت شرایط را برای شکلی از عمل مشترک فراهم می‌کند که به جنبش بی‌رهبر امکان بقاء، هم‌اندیشی، هماهنگی و گسترش می‌دهد (کاستلز، ۱۳۹۳).

در مقابل زینب توفکچی معتقد است اگرچه شبکه‌های اجتماعی بستر مناسبی را برای انتشار سریع اطلاعات و اخبار، امکان ارتباط گروه‌های مختلف مردم با یکدیگر و برنامه‌ریزی رویدادها فراهم می‌کنند، اما واقعیت آن است که برای خلق یک جنبش صحیح و موفق، مردم باید برای پیوستن به آن ترغیب و تشویق شوند، حاضر شوند از آرامش و امنیت خانه‌های خود دل بکنند و با جرئت و جسارت، رویارویی با هر دشواری و برخوردی را تا رسیدن به اهداف و ایجاد تغییر و اصلاح در رویه‌های سیاسی و اجتماعی به جان بخرند. اگر مطالبات در بستر شبکه‌ها باقی بماند نمی‌توان به اصلاح و تغییر امید داشت. مطالبات مردم برای آنکه پاسخ بگیرد باید از دنیای هشتگ و لایک و ری‌تویت^۱ بیرون بیاید و به کنش‌های واقعی در دنیای واقعی تبدیل شود. دستاوردهای شبکه‌های مجازی در حمایت از اعتراضات اجتماعی و سیاسی، سریع اما ناپایدار است و به قیمت از دست رفتن مزایای روش‌های پایدار تمام می‌شود. در گذشته دیدار افراد با یکدیگر برای سازماندهی اعتراضات یا ابراز مطالبات به هم‌فکری آنان منجر می‌شد. در این جمع‌ها وحدت و یکپارچگی شکل می‌گرفت، خلاقیت زاینده می‌شد و مهم‌تر از این دو، با وجود همه اختلافات جنبش هم‌سو و با هم حرکت می‌کرد. برعکس جنبش‌های امروزی خیلی سریع شکل می‌گیرند اما برنامه‌ریزی مدونی برای ادامه ندارند. این‌گونه جنبش‌ها به‌ندرت تاکتیک خود را تغییر می‌دهند چون اساساً ظرفیت تغییر را ندارند. به‌علاوه، ظرفیت جنبش‌های قدیمی در چاپ بروشور و شب‌نامه و دیوارنوشته نبود؛ بلکه در ظرفیت لازم برای کار گروهی و هم‌فکری جمعی بود که تنها در درازمدت و با کار جمعی حاصل می‌شود (توفکچی، ۱۳۹۷).

با مقایسه نظرات دو متفکر مذکور، می‌توان اذعان نمود که وجود سازماندهی، برای تداوم حرکت جمعی و کاهش هزینه‌های آن ضروری است. وجود بستری به نام اینترنت، اگرچه امکان انتشار سریع اخبار و ارتباط مخالفان با یکدیگر و برنامه‌ریزی برای رویدادها را تسهیل کرده است، اما با دامن‌زدن به سست‌کنشی، بی‌اعتمادی بین مخالفان، فرصت‌طلبی، فردگرایی منفی، انفعال، کناره‌گیری، اعتراض سرپوشیده و درنهایت کاهش یکپارچگی و اتحادی که فقط با تعامل در دنیای واقعی ایجاد می‌شود، مانعی برای تداوم حرکت‌های اعتراضی ایجاد کرده است. بنابراین می‌توان ادعا کرد که اینترنت و شبکه‌های اجتماعی هم می‌توانند بستری برای سازماندهی باشند و هم مانعی جدی برای سازماندهی حرکت‌های بلندمدت. بیشتر نحوه استفاده است که تعیین‌کننده میزان مطلوبیت آن برای حرکت جمعی است.

باتوجه به پیشینه موجود، اغلب نویسندگان به شیوه سازماندهی در انقلاب‌ها پرداخته ولی عوامل مؤثر بر سازماندهی را مورد توجه قرار نداده‌اند. به دلیل تمرکز اصلی مقالات بر مطالعه موردی انقلاب اسلامی ایران یا انقلاب مصر و انقلابات تئوریتی، شاخص‌های ارائه‌شده برای سازماندهی، بسیار کلی هستند. در خصوص نقش فضای مجازی در سازماندهی هم نظرات متعارضی وجود دارد. در ادامه تلاش می‌شود با استفاده از نظرات تیلی و گر، مدلی مفهومی برای سازماندهی ارائه شود.

ب. شاخص‌های سازماندهی در نظریه چارلز تیلی

مهم‌ترین نظریه‌پرداز بسیج منابع، چارلز تیلی است. تیلی معتقد است که واژه بسیج به شکل متعارف معرفی‌کننده فرایندی است که به واسطه آن گروهی از حالت مجموعه منفعلی از افراد به مشارکت‌کننده فعال در زندگی عمومی تبدیل می‌شود. به بیان دیگر بسیج، یعنی گردآوری منابع (انسانی و مادی) برای استفاده و عمل جمعی. در واقع بسیج منابع، کوشش برای دستیابی به هر نوع منبعی است که گروه مدعی برای پیشبرد عمل جمعی خود ضروری بداند. انواع منابع عبارت‌اند از:

- منابع اجبارآمیز مانند سلاح، نیروی مسلح و فناوری‌های کنترل‌کننده؛ این منابع ابزار تنبیه دیگر انسان‌ها و محدودساختن بدیل‌های دسترس‌پذیر برای آنهاست؛

- منابع فایده‌مند مانند کالا، خدمات اطلاع‌رسانی و پول منابعی هستند که انسان‌ها دستیابی به آنها را حق خود می‌دانند؛
- منابع هنجاری مانند وفاداری‌ها و تکالیف؛ یعنی تعهدات اعضایی از جمعیت در قبال دیگر اعضای گروه، خود گروه و آرمان‌های آن (تیلی، ۱۳۸۵).

تیلی خاطرنشان می‌سازد که اگر مردم محروم و ناراضی فاقد سازماندهی و منابع لازم باشند، نارضایتی به‌تنهایی نمی‌تواند به حرکت جمعی مؤثر منجر شود. او با این استدلال که نارضایتی و منازعه جزء طبیعی عرصه سیاست هستند بر این نکته تأکید می‌نماید که احتمال وقوع خشونت سیاسی تنها هنگامی وجود دارد که طرف‌های ناراضی از ابراز و منابع لازم برای انجام یک خشونت مؤثر برخوردار بوده و به‌عبارت دیگر، منابع سازماندهی لازم را برای انجام اقدامات پر اهمیت داشته باشند.

در نظریه تیلی، کنش جمعی، محصول تعاملات رقابت‌آمیز گروه‌هایی است که برای کسب قدرت رقابت می‌کنند. مدعیان قدرت سیاسی را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد، نخست اعضای حکومت و سپس چالشگران حکومت. در واقع، رقابت اصلی و منشاء پویایی در الگوی سیاسی، ناشی از رقابتی است که میان مدعیان (اعضا و چالشگران) جریان دارد تا سهم بیشتری از قدرت حکومتی را در اختیار داشته باشند. پویایی رقابت میان مدعیان قدرت سیاسی ایجاد می‌کند که برای توضیح دادن تغییرات جامعه سیاسی، به‌ویژه توضیح کنش جمعی هریک از مدعیان، از الگوی بسیج استفاده شود. عناصر این الگو عبارتند از: منافع، سازمان، بسیج، فرصت، و کنش جمعی. منافع، مجموعه امتیازات و محرومیت‌های مشترکی است که ممکن است در اثر تعاملات مختلف با دیگر جمعیت‌ها بر جمعیت مورد بحث وارد آید. سازمان، میزان هویت مشترک و ساختار وحدت‌بخش افراد در درون یک جمعیت است. بسیج، میزان منابعی است که در کنترل جمعی یک مدعی قرار دارد. کنش جمعی، میزان اقدامات جمعی یک مدعی در جهت نیل به هدف مشخصی است و فرصت، رابطه منافع جمعیت و وضعیت جهان اطراف است (تیلی، ۱۳۸۵: ۸۴).

فرضیه اصلی در کار تیلی، رابطه «بسیج» و «کنش جمعی» است. بدین معنی که هرچه میزان بسیج در یک جمعیت یا گروه بیشتر باشد، میزان کنش جمعی آن بیشتر می‌شود. بر این

اساس در منازعه سیاسی میان حکومت و چالشگران، جناحی برنده است که توانایی بیشتری در بسیج منابع و سازماندهی داشته باشد (احمدی منش، ۱۳۹۴: ۷۹).

برای به وجود آمدن سازمان فعال سیاسی، باید اعضای سازمان یا بخشی از آنها به منافع سازمان آگاهی یابند و این آگاهی شبکه‌ای از روابط را ایجاد کند. هرچه آگاهی و تعهد اعضای یک گروه به منافع جمعی گروه بیشتر باشد، احتمال به وجود آمدن سازمان بیشتر خواهد شد. اندازه و کیفیت سازمان تعیین‌کننده اصلی توان بسیج آن سازمان است. هرچه سازماندهی با کیفیت‌تر و سازمان به‌لحاظ جغرافیایی سطح بزرگ‌تری را شامل شود، توان بسیج آن بیشتر خواهد بود (پناهی، ۱۳۸۹).

تیلی در تعریف از سازمان، بر دو محور عمده اشاره می‌کند: میزان هویت مشترک و ساختار وحدت‌بخش. برای توضیح این دو مفهوم از بحث روابط دسته‌ای^۱ و روابط شبکه‌ای^۲ بهره می‌گیرد.

- روابط دسته‌ای، روابط افراد حول ویژگی‌های مشترک است. یک دسته تمام‌عیار در بردارنده مردمی است که ویژگی مشترک خود را پذیرفته‌اند و دیگران نیز آنها را به آن ویژگی می‌شناسند. مثلاً جملگی مؤنث، مسلمان شیعه، ساکن تهران یا چیز دیگری هستند.

- روابط شبکه‌ای به ارتباط و پیوندهای مستقیم و غیرمستقیم به واسطه نوع خاصی از علقه‌های بین‌الاشخاصی اشاره دارد. مثل مردمی که به یک عروسی دعوت شده‌اند و وامدار صاحب عروسی هستند. در واقع مجموعه‌ای از افراد که به‌صورت دل‌بخواخانه به واسطه روابط شخصی در میان خودشان تعریف می‌شوند.

ترکیب روابط دسته‌ای و شبکه‌ای منجر به پیدایش گروه می‌شود. در نتیجه، به اعتقاد تیلی، «هرقدر که یک گروه از هویت مشترک و شبکه‌های داخلی وسیع‌تری برخوردار باشد، سازمان‌یافته‌تر است» (تیلی، ۱۳۸۵: ۹۵). به بیان دیگر، سازمان برابند روابط دسته‌ای و شبکه‌ای مداوم در یک جمعیت است. تیلی با مفهوم سازمان، از طرفی بر هویت مشترک و علقه‌های بین

۱. Categories

۲. Networks

اشخاص و اعضای گروه اصرار می‌ورزد و از سویی بر وجود شبکه وسیع ارتباطات بین اعضای گروه پای می‌فشارد.

در نظر تیلی، شاخص‌های اندازه‌گیری میزان هویت مشترک که یکی از ابعاد سازمان‌یافتگی و بسیج است، شامل وجود نامی استاندارد است که نزد افراد عضو و غیرعضو به یکسان شناخته شده باشد. همچنین وجود نمادها، شعارها، آوازاها، مدل‌های لباس استاندارد یا دیگر علائم مشخصه نشان از هویت مشترک معترضان دارد. شاخص‌های اندازه‌گیری سطح ساختار وحدت‌بخش که از دیگر ابعاد سازمان‌یافتگی و بسیج است، شامل وجود سلسله‌مراتب به‌گونه‌ای است که برخی از اعضای گروه از این اقتدار برخوردار باشند که به‌جای کل گروه اظهارنظر نمایند. وجود تقسیم‌کار و نقش‌های تخصصی در بین گروه مخالف. همچنین وجود ساختمان‌ها و فضاهای تعریف‌شده‌ای که در کنترل گروه باشد و وجود حداقل یک خزانه عمومی از منابع عمده مثل پول، سلاح، اطلاعات یا چیز دیگری نشان از وجود ساختار وحدت‌بخش دارد. ضمن اینکه مانند سازمان‌های اداری، وجود یک سیستم نظارتی که وظیفه کنترل بر تخصیص زمان و انرژی اعضای گروه و کنترل روابط شخصی اعضای گروه را عهده دار است، از دیگر شاخص‌های وجود ساختار وحدت‌بخش است (تیلی، ۱۳۸۵: ۱۲۰).

در نظریه تیلی یکی از شاخص‌های سازماندهی، نوع بسیج است. بسیج منابع به این معناست که سازمان‌ها و گروه‌ها تلاش می‌کنند منابع مختلف را هرچه بیشتر در اختیار خود گیرند. تیلی از سه شکل بسیج نام می‌برد:

- بسیج تدافعی: در بسیج تدافعی تهدیدی از خارج، اعضای یک گروه را وا می‌دارد که منابع خود را برای جنگ با دشمن گرد هم آورند. نمونه‌های این نوع بسیج شورش‌های مربوط به غذا، شورش‌های مالیاتی، تهاجم به کشتزارها، مقاومت در برابر لوایح قانونی است؛
- بسیج تهاجمی: در بسیج تهاجمی، یک گروه در عکس‌العمل به فرصت‌های فراهم‌آمده برای تحقق منافع جدید خود به گردآوردن منابع می‌پردازد. نمونه بسیج تهاجمی، موفقیت مؤسسه کاتولیک اوکانل در گسترش اجباری حقوق کاتولیک‌های انگلیسی و ایرلندی است؛

• بسیج تدارکی: در بسیج تدارکی، گروه با پیش‌بینی فرصت‌ها و تهدیدهای آینده به انباشت و ذخیره‌سازی منابع می‌پردازد. نمونه این نوع بسیج، تدارک صندوق پول برای ایام سختی کارگران مانند بیکاری و اعتصاب است.

هرقدر از بسیج تدافعی به سمت تهاجمی و تدارکی حرکت می‌شود، بر میزان دوراندیشی و نگاه استراتژیک سازمانی افزوده می‌شود. بسیج تهاجمی و تدارکاتی هر دو نیازمند بررسی جهان خارج از گروه خود هستند. برای بسیج تدافعی، کمترین میزان سازماندهی مورد نیاز است. بسیج تهاجمی نیازمند سازماندهی در سطح متوسط است و بسیج تدارکی نیاز به سازماندهی زیادی دارد. در واقع شکل بسیج می‌تواند نشان از میزان سازماندهی باشد (تیلی، ۱۰۴: ۱۳۸۵-۱۱۳).

باتوجه به نظرات چارلز تیلی، شاخص‌های سازماندهی در ناآرامی‌های داخلی را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد:

- وجود نامی استاندارد که نزد افراد عضو و غیرعضو به یکسان شناخته شده باشد؛
- وجود نمادها، شعارها، آوازه‌ها، مدل‌های لباس استاندارد یا دیگر علائم مشخصه؛
- وجود ساختمان‌ها و فضاهای تعریف‌شده‌ای که در کنترل گروه است؛
- وجود تقسیم‌کار و نقش‌های تخصصی در بین مخالفان؛
- میزان تمایز سلسله‌مراتبی در بین مخالفان (شکل‌گیری رهبری و کادر) Y
- وجود حداقل یک خزانه عمومی از منابع عمده مثل پول، سلاح، اطلاعات یا چیز دیگری؛
- وجود بستر یا سیستم ارتباطی در بین مخالفان؛
- وجود یک سیستم نظارتی در بین مخالفان؛
- شکل بسیج (تدافعی، تهاجمی، تدارکی).

ج. عوامل مؤثر بر سازماندهی در نظریه تد رابرت گر

در این پژوهش برای دستیابی به عوامل مؤثر بر سازماندهی ناآرامی، از نظرات تد رابرت گر استفاده شده است. تد رابرت گر، از نظریه‌پردازانی است که نظریه‌اش با عنوان «محرومیت نسبی»، در زمره نظریه‌های تبیین خشونت سیاسی است. در این نوشتار آن بخش از نظریه گر مدنظر است که به مفهوم سازمان و سازمان‌دهی و نقش آن در خشونت سیاسی پرداخته است.

به نظر رابرت گر، سازمان‌نیافته‌ترین نوع خشونت‌های سیاسی، درگیری بی‌شکل و انسجامی است که هیچ تقسیم‌کار یا همکاری در آن به چشم نمی‌خورد و سازمان‌یافته‌ترین شکل آن هم عملیات یک واحد نظامی است که نقش‌های تخصصی و سطح بالایی از انسجام را داراست.

به عقیده تد رابرت گر، یکی از عناصر تعیین‌کننده تأثیرات سازمان بر حجم خشونت سیاسی، اندازه واقعی و توزیع گروه‌های موافق حکومت، مخالف حکومت و بی‌تفاوت در میان جمعیت و میزان آمادگی آنها برای مخالفت است. اگر اعضا به میل خود تقریباً هر نوع از خودگذشتگی مادی یا شخصی را بپذیرند، مخالفان ظرفیت بالایی برای جنگیدن یا هر فعالیت دیگری خواهند داشت. اگر مخالفان به میل خود تنها حاضر به حمایت نمادین باشند، گروه مخالف در وضعیت‌های تعارض، فلج می‌شود. بنابراین سطوح سازماندهی تابعی از گستره نسبی سازمان مخالفان و میزان از خودگذشتگی اعضا در صحنه عمل است. اگر پیروان شدیداً در خصوص حکومت خصومت داشته و آماده باشند که از خودگذشتگی زیادی برای جنبش مخالف انجام دهند، رهبران می‌توانند جنبش‌هایی توطئه‌آمیز یا انقلابی را سازمان بخشند. اگر تعداد پیروان اندک باشد، امکان فعالیت توطئه‌آمیز بیش از فعالیت انقلابی خواهد بود. اگر پیروان تعلق‌خاطر چندانی نداشته باشند، تعداد آنها هر قدر هم که زیاد باشد، احتمالاً کنش آشکار به آشوب، تظاهرات ضدحکومتی و اعتصاب، محدود می‌شود (گر، ۱۳۷۷: ۴۰۵-۴۰۰).

یکی از عوامل تأثیرگذار بر سازمان‌یابی مخالفان، وجود برداشت‌های ذهنی مشترک از محرومیت و تقاضا، میزان اجماع درباره اهداف و تعامل مبتنی بر همکاری در میان اعضاست. هر قدر که اجماع درباره اهداف و تعامل مبتنی بر همکاری در میان اعضای مخالفان بیشتر باشد، گروه مخالف از تفکیک ساختاری درونی بیشتری برخوردار بوده و در برآوردن اهداف اعضای خود کارآمدتر خواهد بود. برداشت‌های ذهنی مشترک از محرومیت و تقاضا و سطح تعامل به‌طور دوجانبه همدیگر را تقویب می‌کنند. بیشتر آثار مربوط به رفتار توده‌وار و خشونت توده‌ای را می‌توان به‌عنوان تأثیر توده‌ها بر افزایش وحدت گروهی تفسیر کرد. شرکت‌کنندگان در ازدحام‌ها، شخصیت آگاه خود را از دست می‌دهند و شخصیت

ناخودآگاه بر آنها سلطه می‌یابد که این تحول ناشی از تلقین و سرایت احساسات و عقاید در جهت یکسان است. کنش‌های یک شخص برانگیخته بعضاً بستگی به رفتار دیگران در محیط وی دارد. حضور اشخاص دیگری که رفتاری خشن دارند، به شکل نیرومندی برانگیزاننده است. شواهد تجربی رفتار گروهی نشان می‌دهند که تقویت متقابل برداشت‌های ذهنی و مشترک، پرخاشگری را در شرایط سرخوردگی تسهیل می‌کند. گروه‌های سازمان‌یافته‌ای که اعضایشان پیش از این در کنار یکدیگر کار کرده بودند، آزادانه‌تر از گروه‌های بیگانه سازمان‌یافته پرخاشجویی خود را ابراز می‌دارند. فرد میزانی از قدرت را برای ابراز احساساتی که با دیگر حاضران در آن شریک است به دست می‌آورد که نمی‌تواند آن را به تنهایی یا حداقل به طور مؤثر بیان کند. این احساس قدرت موجب رهایی از تنش می‌شود. بنابراین کنش توده‌ای برای بسیاری از افراد تجربه‌ای چنین رضایت‌بخش است و احساس خوبی به آنها دست می‌دهد. البته هر شکل از پرخاشگری می‌تواند رضایت‌بخش باشد، مشروط بر اینکه شخص خشمگین بدین باور دست یابد که وی به نوعی به عامل سرخوردگی آسیب رسانده است (گر، ۱۳۷۷: ۴۱۶-۴۱۲).

از دیگر عوامل مؤثر بر سازماندهی، میزان همگنی و میزان انزوای مخالفان است. یعنی هرچه مخالفان منزوی‌تر بوده و همگنی بیشتری داشته باشند، به صورت خودانگیخته پتانسیل بیشتری برای تشکیل‌یابی دارند، بنابراین تلاش کمتری برای سازماندهی آنها مورد نیاز است. مخالفانی که از انزوای کمتری برخوردار بوده و از گروه‌های متکثر و غیرهمگنی تشکیل شده باشند، نیازمند سطح بیشتری از سازماندهی برای ایجاد یک کنش جمعی هستند. برخی معتقدند، حتی اعتصابات که در ظاهر نیازمند حداقلی از هماهنگی است، بیشتر نتیجه رفتار توده‌ای است، تا کنش سازماندهی شده. مستعدترین صنایع برای اعتصاب آنهایی هستند که کارگران آنها گروه همگونی را تشکیل می‌دهند که به لحاظ جغرافیایی یا جنبه‌های دیگر از جامعه بزرگ‌تر منزوی هستند و می‌توانند به انسجام دست یابند. بسیاری از اعتصابات در صنایع زغال سنگ، الوار، پارچه‌بافی، اسکله‌سازی و حمل‌ونقل نشئت می‌گیرند. صنایعی که بیشترین توده کارگران «منزوی» را دارند. همچنین همگنی و انزوای شدید ساکنان محلات فقیرنشین، آشوب را تسهیل می‌کند. شواهدی نشان می‌دهند که در

برخی از شورش‌های محلات فقیرنشین سطح مشارکت مهاجران تازه‌وارد و ساکنان قدیمی‌تر متفاوت است و ساکنان قدیمی‌تر مشارکت بیشتری داشته‌اند. تظاهرات و قیام‌های دانشجویی را نیز می‌توان تا حدی ناشی از همگنی نسبی و درجه بالای تعامل در فرهنگ دانشجویی دانست که خصوصاً در کنار نارضایتی شدید از شرایط جامعه بزرگ‌تر قرار می‌گیرد (گر، ۱۳۷۷: ۴۲۱-۴۱۹).

یکی دیگر از عوامل مؤثر بر سازماندهی مخالفان، وجود رهبری است. البته رابطه دقیقی میان وجود رهبری و شکل‌گیری خشونت سیاسی توده‌ای وجود ندارد. برخی از انقلاب‌ها به دلیل نیاز به رهبری لایق شکست خوردند، برخی دیگر به‌رغم وجود آن به شکست انجامیدند و البته، انقلاب‌های موفق نیز وجود داشتند که تا آخرین مراحل فرایند انقلابی فاقد رهبران کارآمد بودند. با وجود این، اگر قرار باشد که خشونت سیاسی در مقابل مقاومت سازمان‌یافته به موفقیت انجامد، رهبری و ایجاد آن و هدایت سازمان مخالف امری ضروری خواهد بود. بیشتر توجهی که به رهبری گروه‌های مخالف شده است، شناسایی ضمنی یا صریح نقش آن در خلق و گسترش سازماندهی مخالفان است. رهبران می‌توانند آموزه‌هایی را در توجیه خشونت سیاسی مطرح کنند و آن را به پیروان بالفعل و بالقوه خود منتقل کنند؛ شیوه‌های الگومندی را برای کنش به وجود آورند و استفاده از آنها را مجاز بشمارند؛ ابراز و سرنخ‌هایی را برای کنش خشونت‌آمیز فراهم آورند و احتمال تلافی‌جویی پیروان خود را به حداقل رسانند. این گونه رهبران بدین دلیل ظهور می‌کنند که با ارائه نوعی تفسیر، دنیای روانی آشفته مردم را نظم می‌بخشند. از دیگر کارکردهای سازمانی که رهبری در آن نقش دارد، حمایت هنجاری و فیزیکی از پیروان و در نتیجه افزایش یکپارچگی گروهی و کاهش تأثیرات ناشی از اعمال قهر از سوی حکومت است. بنابراین رهبری از یک سو به مفصل‌بندی بینش جدید در خصوص جامعه و ارائه برنامه قوی برای تغییر پرداخته و تلاش می‌کند ائتلافی پایدار بین نخبگان و گروه‌های مختلف مردمی ایجاد کند. این رهبران که سخنوران بزرگ و نویسندگان فعال هستند، سیاست مقابله و ابزار مخالفت را مشخص می‌کنند. رهبری از سوی دیگر تلاش می‌کند با ایجاد بوروکراسی، تأمین منابع مالی، تجهیز افراد و ایجاد بستر ارتباطی، مخالفت‌ها را سازماندهی کند. بنابراین در دسترس بودن منابع فیزیکی نیز سازماندهی مخالفان را افزایش

می‌دهد. مخالفانی که مناطقی پایگاهی را در کنترل خود دارند و از منابع تدارکاتی خارجی برخوردارند بهتر از کسانی که فاقد این امکانات هستند، می‌توانند قیام‌های طولانی مدت را اداره کنند (گر، ۱۳۷۷: ۴۳۹-۴۲۳).

نحوه عملیات سازمان کنترل اجتماعی نیز بر میزان سازماندهی مخالفان مؤثر است. در واقع سرعت و کارآمدی نیروهای امنیتی در برخورد با طغیان خشونت‌آمیز بر سازمان‌یافتگی و توسعه طغیان مؤثر است. وجود سرعت عمل و حرکت دادن بدون معطلی نیروها و صلابت در کاربرد نیرو و فقدان تردید در قبول مسئولیت می‌تواند برای مقابله با سازمان‌یافتگی بیشتر مخالفان در صحنه ناآرامی مفید باشد (گر، ۱۳۷۷: ۳۴۲).

باتوجه به نظرات تد رابرت گر، عوامل مؤثر بر سازماندهی ناآرامی‌های داخلی را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد:

- تعداد واقعی مخالفان؛
- میزان آمادگی مخالفان برای ابراز مخالفت؛
- برداشت‌های ذهنی مشترک از محرومیت و تقاضا؛
- اجماع در خصوص اهداف؛
- میزان همگنی و میزان انزوای مخالفان
- وجود رهبری برای مفصل‌بندی بینشی جدید در خصوص جامعه؛
- وجود رهبری برای ایجاد بوروکراسی و تأمین منابع؛
- عملیات کنترلی پلیس یا نیروهای امنیتی.

د. مدل مفهومی سازماندهی در ناآرامی‌های خیابانی

باتوجه به نظریه‌های تیلی و گر، مدل مفهومی درخور استنباط برای سازماندهی ناآرامی خیابانی که شامل شاخص‌های سازماندهی و عوامل مؤثر بر سازماندهی باشد، به صورت نمودار زیر ترسیم می‌شود.

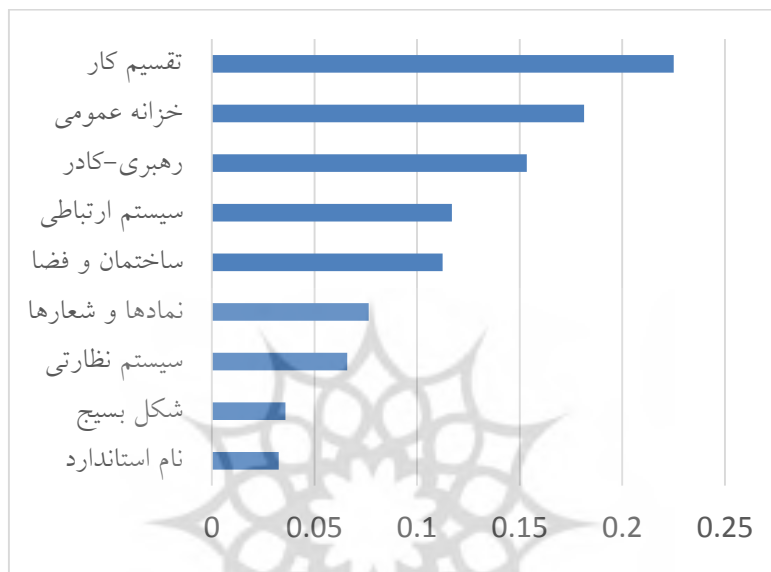


نمودار ۲. مدل مفهومی سازماندهی در ناآرامی خیابانی

در نمودار مذکور، جهت فلش نشان‌دهنده جهت تأثیر عوامل مؤثر بر سازماندهی بر شاخص‌های سازماندهی است. یعنی عواملی که در سمت راست نمودار ذکر شده‌اند بر شاخص‌هایی که در سمت چپ نمودار قرار دارند، تأثیرگذار هستند. با بررسی عوامل سمت راست می‌تواند دلایل افزایش یا کاهش میزان سازماندهی در ناآرامی خیابانی را تحلیل کرد. برای ارائه برآوردی از میزان سازماندهی یک حرکت جمعی هم باید وضعیت شاخص‌های سمت چپ را مشخص کرد.

پس از شناخت شاخص‌های سازماندهی، با استفاده از مقایسه زوجی می‌توان شاخص‌ها را رتبه‌بندی کرد و وزن هر شاخص را به دست آورد. بدین منظور همه شاخص‌ها دوبه‌دو با

یکدیگر مقایسه شده و اهمیت یا ارجحیت هر یک در رابطه با دیگری مشخص شده است. میزان اهمیت شاخص‌ها که با ترکیب مقایسه‌های زوجی به دست آمده است، در نمودار شماره ۳ نشان داده شده است.



نمودار ۳. میزان اهمیت هر کدام از شاخص‌های سازماندهی

باتوجه به نمودار مذکور، شاخص‌های «وجود تقسیم‌کار و نقش‌های تخصصی در بین مخالفان»، «وجود حداقل یک خزانه عمومی از منابع عمده مثل پول، سلاح، اطلاعات یا چیز دیگری به‌همراه مکانیسمی برای توزیع آنها» و «میزان تمایز سلسله‌مراتبی در بین مخالفان و شکل‌گیری رهبری و کادر» به ترتیب از اهمیت بیشتری به‌عنوان شاخص سازماندهی برخوردار هستند.

باتوجه به اینکه یکی از دستاوردهای این پژوهش، ارائه جدولی برای ارزیابی سازماندهی در هر حرکت جمعی مثل ناآرامی، آشوب و اعتصاب معرفی شد پس از تعیین شاخص‌های سازماندهی و اهمیت هر شاخص می‌توان جدول پیشنهادی را ارائه نمود. در جدول شماره ۱ نام شاخص و اهمیت آن برای تشخیص سازماندهی به‌عنوان ضریبی از صد ذکر شده است. در صورتی که میزان حضور شاخص در یک رفتار جمعی از خیلی کم تا خیلی زیاد درخور

ارزیابی است، با ضرب آن در میزان اهمیت شاخص و جمع همه آنها، میزان سازماندهی محاسبه می‌شود. به دلیل اینکه امکان ضرب به صورت ذهنی فراهم باشد، میزان اهمیت شاخص‌ها به صورت ضربی از پنج بیان شد.

جدول ۱. برآورد میزان سازماندهی در حرکت جمعی

ردیف	نام شاخص	میزان حضور شاخص در حرکت جمعی					اهمیت شاخص	حضور اهمیت
		خیلی کم (۰)	کم (۰/۲۵)	متوسط (۰/۵)	زیاد (۱/۷۵)	خیلی زیاد (۱)		
۱	وجود نامی استاندارد که نزد افراد عضو و غیرعضو به یکسان شناخته شده باشد	۰	۰,۲۵	۰,۵	۰,۷۵	۱	۵	
۲	وجود نمادها، شعارها، آوازاها، مدل‌های لباس استاندارد یا دیگر علائم مشخصه	۰	۰,۲۵	۰,۵	۰,۷۵	۱	۱۰	
۳	وجود ساختمان‌ها و فضاهای تعریف‌شده‌ای که در کنترل مخالفان است	۰	۰,۲۵	۰,۵	۰,۷۵	۱	۱۰	
۴	وجود تقسیم‌کار و نقش‌های تخصصی در بین مخالفان	۰	۰,۲۵	۰,۵	۰,۷۵	۱	۲۰	
۵	میزان تمایز سلسله‌مراتبی در بین مخالفان (شکل‌گیری رهبری و کادر)	۰	۰,۲۵	۰,۵	۰,۷۵	۱	۱۵	
۶	وجود حداقل یک خزانه عمومی از منابع عمده مثل پول، سلاح، اطلاعات یا چیز دیگری به همراه مکانیسمی برای توزیع آنها	۰	۰,۲۵	۰,۵	۰,۷۵	۱	۱۵	
۷	وجود بستر یا سیستم ارتباطی در بین مخالفان	۰	۰,۲۵	۰,۵	۰,۷۵	۱	۱۰	
۸	وجود یک سیستم نظارتی که وظیفه کنترل بر تخصیص زمان و انرژی اعضای گروه و روابط اعضای گروه را عهده دار است	۰	۰,۲۵	۰,۵	۰,۷۵	۱	۱۰	
۹	شکل بسیج منابع (تدافعی، تهاجمی، تدارکی)	(۰)	(۰/۲۵)	(۰/۵)	(۰/۷۵)	تدارکی (۱)	۵	
جمع	میزان سازماندهی							

با وجود اینکه جدول مذکور وابسته به ذهنیت تکمیل‌کنندگان است، اما مهم‌ترین کارکرد آن، شفاف‌سازی نحوه قضاوت در خصوص میزان سازماندهی در یک حرکت جمعی است. بدیهی است که با مشاهده یک شاخص، نمی‌توان حکم به سازماندهی کرد و در صورت فقدان یک شاخص نتیجه گرفت که سازماندهی وجود ندارد. در واقع میزان سازماندهی در جدول مذکور به صورت درصد بیان می‌شود که می‌تواند بین صفر تا صد متغیر باشد.

از میزان سازماندهی به صورت دقیق نمی‌توان نوع حرکت جمعی را تشخیص داد، ولی به صورت کلی می‌توان ادعا کرد که در حرکت‌های جمعی مانند آشوب، تجمع یا تظاهرات اعتراضی واکنشی، نمرات سازماندهی کمتر، در مواردی مثل حمله چریکی، جنگ داخلی و کودتا، نمرات سازماندهی بیشتر است. در موردی مثل اعتصاب عمومی، سطح متوسطی از سازماندهی قابل مشاهده است.

نتیجه‌گیری

بسیار مشاهده شده است که برخی از مقامات سیاسی، خبرنگاران و تحلیلگران، بدون هیچ اشاره‌ای به مفهوم سازماندهی یا شاخص‌های سازماندهی، قضاوتی را در خصوص سازماندهی یک حرکت جمعی مطرح می‌کنند. در بسیاری از موارد، با شواهد جزئی، ناقص، پراکنده و حتی متناقض، حکم به وجود سازماندهی در یک حرکت جمعی می‌شود یا عوامل مؤثر بر سازماندهی، به جای شاخص‌های سازماندهی تفسیر می‌شوند. باتوجه به اینکه دستیابی به داده‌های عینی که نشان‌دهنده اراده و عمل بازیگری برای سازماندهی باشد، بسیار مشکل است، می‌توان با مشاهده دقیق واقعه، سطح سازماندهی آن را برآورد کرد.

در این پژوهش تلاش شد، از تعریف سازماندهی به صورت «هست و نیست»، «صفر و صد» و به معنی «وجود سازماندهی یا فقدان سازماندهی» در یک حرکت جمعی خودداری شده و برای سازماندهی مانند بسیاری از مفاهیم علوم اجتماعی، ماهیتی فازی تعریف شود که در بازه صفر (عدم سازماندهی) تا صد (سازماندهی کامل)، میزان سازماندهی در هر حرکت جمعی، با محاسبه وضعیت هریک از شاخص‌های معرفی شده، در نقطه‌ای از یک طیف قرار گیرد. برای نمونه، می‌توان میزان سازماندهی در ناآرامی‌های دی ماه ۱۳۹۶ و آبان ماه ۱۳۹۸ را با هم مقایسه

کرد و عوامل مؤثر بر سازماندهی در هرکدام از ناآرامی‌ها را تحلیل نمود. مزیت استفاده از مدل مفهومی ارائه شده، کاهش سوگیری شناختی، شفاف‌شدن نحوه قضاوت در خصوص واقعه و امکان مقایسه وقایع مختلف و تحلیل تحولات صورت گرفته در سازماندهی آنهاست.





پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- احمدی منش، حسین (۱۳۹۴) سازماندهی در انقلاب اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال دوازدهم، شماره ۴۰.
- اعتمادی، امیرحسین (۱۳۹۸) ایران را پس می‌گیریم، فرشگرد، www.farashgardfoundation.com، ۲۰۱۹/۱۱/۲۸.
- پناهی، محمدحسین (۱۳۸۹) نظریه‌های انقلاب: وقوع، فرآیند و پیامدها. تهران: سمت.
- پورسعید، فرزاد (۱۳۹۰) بررسی مقایسه‌ای انقلاب اسلامی ایران و انقلاب مصر، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهاردهم، شماره دوم.
- توفکچی، زینب (۱۳۹۷) عصر طلایی آزادی بیان و سکه از رونق افتاده دموکراسی، ترجمان، دسترسی در <http://tarjomaan.com/neveshtar/9002>
- تیلی، چارلز (۱۳۸۵) از بسیج تا انقلاب، ترجمه علی مرشدی‌زاد. تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- شورای ملی مقاومت ایران (۱۳۹۸) فعالیت کانون‌های شورشی و هواداران مجاهدین در شهرهای ایران، mojahedin.org.
- درویش‌پور، مهرداد (۱۳۹۸) نقش اپوزیسیون خارج از کشور در جریان‌ات اعتراضات ۹۸، یورونیوز، ۲۰۱۹/۱۱/۲۸.
- رحمانی فضلی، عبدالرضا (۱۳۹۷) اعتراضات مردمی را سازماندهی شده نمی‌دانیم، روزنامه اطلاعات.
- رحمانی فضلی، عبدالرضا (۱۳۹۸) گزارشی از اعتراضات سراسری از ۲۴ تا ۲۶ آبان، صدا و سیما جمهوری اسلامی، برنامه نگاه یک.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۹۳) شبکه‌های خشم و امید: جنبش‌های اجتماعی در عصر اینترنت، ترجمه مجتبی قلی‌پور. تهران: نشر مرکز.
- گر، تد رابرت (۱۳۷۷) چرا انسان‌ها شورش می‌کنند، ترجمه علی مرشدی‌زاد. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مظلوم‌زاده، ابوالفضل (۱۳۹۸) تصویری از جامعه‌ی اعتراضی ایران، دو سال پس از دی‌ماه ۹۶، زیتون، شماره ۶۹۳۰۶.